

نویسنده : والدو بیلو «Waldo Below» .
منبع و تاریخ نشر: FPIF «فارن پالیسی ان فوکس» «23 نومبر 23»
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

از بن لادن تا غزه

From Bin Laden to Gaza

THE FBI FEDERAL BUREAU OF INVESTIGATION

A-Z INDEX • SITE MAP

CONTACT US ABOUT US MOST WANTED NEWS STATS & SERVICES SCAMS & SAFETY JOBS FUN & GAMES

Wanted by the FBI

Home • Most Wanted • Ten Most Wanted

Ten Most Wanted

The FBI is offering rewards for information leading to the apprehension of the Ten Most Wanted Fugitives. Select the images of suspects to display more information.

Facts on the Program | Historical Photos of Each Top Terner | 60th Anniversary Booklet

ROBERT WILLIAM FISHER ALEXIS FLORES SEMION MOGILEVICH JASON DEREK BROWN **USAMA BIN LADEN** (Deceased) GLEN STEWART GODWIN EDUARDO RAVELO JOE LUIS SAENZ JAMES J. BULGER VICTOR MANUEL GERENA

USAMA BIN LADEN
 Murder of U.S. Nationals Outside the United States; Conspiracy to Murder U.S. Nationals Outside the United States; Attack on a Federal Facility Resulting in Death
REWARD: The Rewards For Justice Program, United States Department of State, is offering a reward of up to \$25 million for information leading directly to the apprehension or conviction of Usama Bin Laden. An additional \$2 million is being offered through a program developed and funded by the Airline Pilots Association and the Air Transport Association.
 Usama Bin Laden is wanted in connection with the August 7, 1998, bombings of the United States Embassies in Dar es Salaam, Tanzania, and Nairobi, Kenya. These attacks killed over 200 people. In addition, Bin Laden is a suspect in other terrorist attacks throughout the world.
 Bin Laden is the leader of a terrorist organization known as Al-Qaeda, "The Base". He is left-handed and walks with a cane.

SUMMARY
 SCARS & MARKS
 ALIASES
 DESCRIPTION
 GET POSTER
 SUBMIT A TIP



وقایع دراماتیک شش هفته گذشته را ترک کرد.

موقعیت ایالات متحده در خاورمیانه کاملاً ویران شده و از هم پاشیده است، و واشنگتن به عنوان سگی که دمش را تکان می دهد با رویدادها مواجه می شود، دولت اسرائیل که در

حال نابودی نسل کشی مردم فلسطین در غزه است که بیش از « 11000 » نفر از مردم فلسطین در این بمباردها کشته شده اند . البته توسط حملات هوایی و ورشکستگی دیپلماسی آمریکا در منطقه و جهان که در هیچ کجاو در هیچوقت همچو رای گیری مجمع عمومی سازمان ملل متحد که در 30 اکتبر 2023 برای قطعنامه مورد حمایت اردن بمنظور آتش بس فوری و ایجاد یک کریدور بشردوستانه برای کمک ها آشکار نشده بود صورت گرفت تنها 14 ، با مخالفت ایالات متحده و اسرائیل .

با این حال، خرابی در هم و برهم بودن موقعیت آمریکا در خاورمیانه نه تنها به دلیل حوادث اخیر، بلکه توسط زنجیره ای از رویدادها ایجاد شد که در آن یک مرد نقش اصلی را ایفا کرد:

اسامه بن لادن . از چه گوارا تا اسامه بن لادن

بن لادن با چیزی شبیه «نظریه فوکو» چه گوارا عمل کرد . چه گوارا معتقد بود که درگیری مستقیم دشمن برای نشان دادن به دهقانان که چریک ها می توانند ارتش را شکست دهند و آنها را برای پیوستن به انقلاب تشویق کنند ضروری است . بن لادن که در صحنه جهانی فعالیت می کرد، حمله 11 سپتامبر 2001 به برج های دوقلو در منهتن را عملی دانست که آسیب پذیری "شیطان بزرگ" را آشکار می کرد و مسلمانان را برای پیوستن به جهاد او علیه آن ترغیب می کرد . این امر می تواند جبهه های زیادی را ایجاد کند و منجر به گسترش بیش از حد قدرت نظامی ایالات متحده شود، زیرا واشنگتن برای خاموش کردن بسیاری از آتش سوزی ها حرکت می کند .

کاملاً به این شکل کار نکرد . بیشتر مسلمانان به جای الهام گرفتن، وحشت کردند و از این عمل وحشتناک فاصله گرفتند . با این حال، بن لادن به لطف جورج دبلیو بوش و نوحافظه کارانی که در سال 2001 با او در واشنگتن به قدرت رسیده بودند، موفق شد . حمله اسامه برای آنها فرصتی بود خدادادی برای آموزش به دشمنان و دوستان آمریکا که امپراتوری یک امپراتوری است . قادر مطلق تهاجمات به افغانستان و عراق که ظاهراً برای دنبال کردن «ریشه های ترور» انجام شد، در واقع همان چیزی بود که رومی ها آن را «جنگ های مثال زدنی» می خواندند و هدف آنها تغییر شکل دادن به محیط استراتژیک جهانی برای تطبیق با وضعیت «تک قطبی» واشنگتن پس از سقوط بود اتحاد جماهیر شوروی

رئیس جمهور جورج اچ بوش، برای پایان دادن به صدام حسین در طول جنگ خلیج فارس 1990-1991، جرج دبلیو بوش این تهاجمات را به عنوان اولین گام در راهپیمایی آغاز کرد که به اصطلاح دولت های سرکش را از بین می برد، وفاداری بیشتری را از دولت های وابسته و ادار می کرد یا آنها را با نیرومندتر جایگزین می کرد . متحدان، و به

رقبای استراتژیک مانند چین توجه داشته باشند که حتی نباید به رقابت با ایالات متحده فکر کنند

بوش به جنگ‌های غیرقابل پیروزی برانگیخته شد

دولت جورج دبلیو بوش با بی توجهی به درس‌های ویتنام و شکست‌های بریتانیا و شوروی در افغانستان، ایالات متحده را وارد دو جنگ غیرقابل پیروزی علیه شورشیان بسیار با انگیزه در خاورمیانه کرد، در حالی که بن لادن با رضایت تماشا می‌کرد و بدون مزاحمت تحت حمایت یک کشور زندگی می‌کرد. متحد آمریکا، ارتش پاکستان، در شهر پادگان صلح آمیز ابوت آباد در پاکستان این دقیقاً همان سناریویی نبود که او در نظر گرفته بود، اما اگر دولت بوش، به دلیل تلاش برای هژمونی تک قطبی، ایالات متحده را در مسیر گسترش بیش از حد، که در نهایت، هدف استراتژیک او بود، قرار می‌داد، نمی‌خواست سر و صدا کند

اشغال طولانی مدت مستلزم چکمه‌های روی زمین بود، و همانطور که ریچارد آرمیتاژ، معاون وزیر امور خارجه آن را دید، «ارتش، به‌ویژه، بسیار ضعیف است... در حال جنگ با سه جنگ - افغانستان، هوز، عراق، و جنگ جهانی علیه تروریسم». «جیمز فالوز، تحلیلگر دفاعی نوشت، در اوج جنگ عراق، «فقط عراق جزئی بود که بگوییم امروز کل ارتش ایالات متحده یا در عراق هستند، یا از عراق برمی‌گردند، یا برای رفتن آماده می‌شوند». «اکثر تیپ‌های قابل مانور ارتش در خارج از کشور بودند و آنهایی که در ایالات متحده باقی مانده بودند برای حفظ ذخیره اضطراری یا پایگاه آموزشی لازم بسیار اندک بودند. حتی نیروهای ویژه معروف نیز تنزل یافتند و تعداد واقعی آنها در میدان حداکثر به صدها نفر رسید. کمبود منابع انسانی باعث شد که فرماندهی عالی نیروهای ذخیره و گارد ملی را فراخواند. همانطور که می‌توان انتظار داشت، روحیه به شدت کاهش یافت، به ویژه زمانی که دوره‌های وظیفه طولانی شد و تلفات در سرزمین‌هایی که این سربازان نیمه‌وقت هرگز گمان نمی‌کردند به آن‌ها اعزام شوند، افزایش یافت.

و با دورتر شدن چشم انداز تسلط در میدان جنگ، حمایت عمومی از لشکرکشی‌های عراق و افغانستان، که از همان ابتدا بسیار محدود بود، دود شد. حتی زمانی که ایالات متحده در افغانستان و عراق گرفتار شده بود، اسرائیل، مستعمره شهرک‌نشینان اروپایی-آمریکایی در خاورمیانه و تنها متحد محکم واشنگتن، توسط بازیگران جدید به چالش کشیده شد. در غزه، حماس به‌عنوان نیروی مسلط پس از عقب‌نشینی اسرائیل در سال‌های 2005-2006 به قدرت رسید و شروع به اجرای طرح نظامی خود برای برچیدن دولت آپارتاید کرد.

در لبنان، حزب الله، متحد حماس، حملات مرزی را علیه اسرائیل انجام داد که در سال 2006 به حمله اسرائیل به جنوب لبنان و بمباران جنوب بیروت منجر شد. با این حال، مقاومت حزب الله پس از یک ماه، اسرائیل را مجبور به عقب‌نشینی کرد، زیر ردا

آتش‌بس با میانجیگری سازمان ملل، نتیجه‌ای را به بار آورد که حتی اعضای دولت اسرائیل آن را شکستی برای دولت آپارتاید می‌دانستند. هم حماس و هم حزب‌الله بخشی از جریان تازه‌ای از رادیکالیسم سیاسی مسلمان بودند که القاعده اسامه بن لادن نیز بخشی از آن بود، که به طور فزاینده‌ای جنبش‌های آزادی بخش سکولار ما نند سازمان آزادیبخش فلسطین را در جهان عرب جابجا کرد. اما بر خلاف القاعده، حماس و حزب‌الله پایگاه توده‌ای مستحکمی روی زمین داشتند.

اوباما عمیق تر به باتلاق می‌رود

باراک اوباما در سال 2009 با وعده پایان دادن به جنگ‌های خاورمیانه به قدرت رسید. در عراق، بخش عمده‌ای از نیروهای ایالات متحده در دوره اول ریاست جمهوری او خارج شدند، اما هزاران تفنگدار دریایی و پرسنل نیروهای ویژه برای مبارزه با دولت اسلامی که با حضور ایالات متحده در خاورمیانه تحریک شده بود، دوباره معرفی شدند. با وجود این که این اتفاق می‌افتاد، چیزی که یکی از اهداف کلیدی ایالات متحده در عراق بود - یک طرفدار غیر فرقه‌ای باثبات. زمانی که دولت شیعی عراق با ایران همسو شد، کشوری فروپاشید که ایالات متحده علیه آن با اسرائیلی‌ها تبنای می‌کرد تا با فناوری پیشرفته برنامه انرژی هسته‌ای تهران را خراب کند.

اوباما همچنین مداخله بی‌پایان در جنگ داخلی سوریه را آغاز کرد و نیروهای ویژه و حملات هوایی را مستقر کرد که در نهایت ایالات متحده را در یک رویارویی چند جانبه با دولت اسلامی و سایر جهادها، نیروهای سوری و نیروهای روسی درگیر کرد. رئیس‌جمهور دموکرات، که از قضا دریافت‌کننده جایزه صلح نوبل است، در واقع در طول بهار عربی در سال 2011، گستره نظامی ایالات متحده را به شمال آفریقا گسترش داد و به طور یکجانبه با متحدان خود در ناتو یک "منطقه پرواز ممنوع" را اعمال کرد که شامل حملات به دفاع لیبی بود که منجر به صدها کشته غیرنظامی و پشتیبانی هوایی گسترده از عملیات زمینی شورشیان ضد قذافی. این مداخله باعث شد لیبی بدون دولت متمرکز باقی بماند و این کشور دچار هرج و مرج شد که تا کنون ادامه دارد، یک فاجعه دیگر توسط آمریکا.

در افغانستان، اوباما زمانی که به قدرت رسید، 33000 سرباز را به 68000 نفر اضافه کرد که فکر می‌کرد این «افزایش» طالبان را فلج می‌کند. این موج شکست خورد، اما او 8400 سرباز را در کشور نگه داشت. در واقع، اوباما جنگ را به پاکستان گسترش داد و از هواپیماهای بدون سرنشین برای هدف قرار دادن رهبران طالبان و جهادی‌هایی که از پایگاه‌های نزدیک مرز با افغانستان استفاده می‌کردند، استفاده کرد. این جنگ با مدیریت کامپیوتری جان صدها غیرنظامی بی‌گناه را گرفت که ارتش آنها را "خسارت جانبی" نامید. او همچنین نیروهای ویژه‌ای را برای حملات به عمق پاکستان فرستاد، نمونه بارز

آن حمله به ابوت آباد بود که اسامه بن لادن را در سال 2011 کشت، هرچند تا آن زمان، این رویداد عمدتاً یک رویداد روابط عمومی بدون ارزش استراتژیک بود.

برخلاف بوش دوم که "چکمه های روی زمین" را ترجیح می داد، اوباما، همانطور که دیوید سانگرا از نیویورک تایمز می گوید، "قدرت سخت و پنهانی" را پذیرفت، "با اشاره به ضرورت "جای پای سبک" که این امکان را فراهم می کند. [ایالات متحده] تا مخفیانه با جنگ های خود بجنگد، عملیات خود را با سرعت پورش بن لادن اجرا کند و سپس از درگیری های طولانی اجتناب کند. «اوباما مانند بوش دوم که هرگز جنگ را به طور مستقیم تجربه نکرده بود، «تجاوز» به جنگ سازی خود آورد که اطرافیان آن را «تعجب آور» می دانستند.

با این حال، اوباما از این واقعیت قدردانی کرد که گرفتار شدن در خاورمیانه با برانگیختن نارضایتی در داخل و بیگانگی از آمریکا در خارج، قدرت ایالات متحده را از بین می برد. نبرد به اصطلاح "جنگ نامتقارن" با نیروهای نامنظم مانند طالبان و جهادی ها می تواند برای همیشه ادامه یابد، و اوباما می خواست استراتژی نظامی جهانی ایالات متحده را به سمتی تغییر دهد که به جای ضد شورش، با قدرت درک شده آن در جنگ های متعارف سازگارتر باشد. طرح بزرگ جدید "محور به آسیا" بود که شامل استقرار بخش عمده ای از نیروی دریایی ایالات متحده در منطقه هند و اقیانوس آرام برای مهار چین بود. با این حال، گفتن دوباره جهت گیری آسان تر از انجام آن بود، زیرا بیرون آمدن از باتلاق خاورمیانه به دلیل قدرت منافی که لابی جنگ علیه ترور/ ضد شورش را تشکیل می داد غیرممکن شد.

and Special Forces personnel still in the country when he took office in January 2021.

دونالد ترامپ وعده عقب نشینی می دهد اما عمل نمی کند

دونالد ترامپ تا حدی بر اساس احساسات ضد جنگ به قدرت رسید و در طول مبارزات انتخاباتی خود برای ریاست جمهوری در سال های 2015 و 2016 به طور مداوم به مردم یادآوری می کرد که رقیبش هیلاری کلینتون در سال 2003 زمانی که سناتور بود به حمله به عراق رای داده بود. با این حال، او در مقام ریاست جمهوری، خاورمیانه را بیش از پیش بی ثبات کرد. اول از همه، حمایت غیرقابل صلاحیت او از اسرائیل بود، که او را به حرکت بزرگی سوق داد که خشم اعراب را برانگیخت: انتقال سفارت ایالات متحده از تل آویو به اورشلیم. سپس او تنها دستاورد کاهش تنش اوباما را هنگامی که ایالات متحده را از توافق هسته ای ایران خارج کرد، که در ازای کاهش تحریم های اقتصادی، کنترل های موثری بر توسعه اورانیوم با درجه تسلیحات تهران انجام داده بود، معکوس کرد. در نهایت، او یک چک سفید برای خرید تسلیحات به عربستان سعودی داد و این پادشاهی را قادر ساخت تا مداخله ظالمانه خود را در جنگ داخلی در یمن انجام دهد.

با این حال، ترامپ گهگاه به یاد می‌آورد که حذف چکمه‌ها از روی زمین یکی از وعده‌های اصلی کمپین انتخاباتی او بود تا کشور بتواند روی «اول آمریکا» تمرکز کند. اما، مانند مورد بوش دوم و اوباما، که هر دو به دلیل نداشتن تجربه رزمی، در برخورد با ژنرال‌ها عقده حقارت داشتند، پیش‌نویس طفره روی ترامپ نیز به ارتش موکول شد. پس از اینکه او تصمیم گرفت به مداخله دوران اوباما در سوریه با خروج 1000 نیروی آمریکایی در اوایل اکتبر 2019 پایان دهد، در مقابل عقب نشینی ارتش تسلیم شد. بیش از یک ماه بعد، رئیس فرماندهی مرکزی ایالات متحده اعلام کرد که هیچ «تاریخ پایانی» برای مداخله واشنگتن در سوریه و حضور 2500 نیروی آمریکایی در همسایه عراق وجود ندارد.

ترامپ مانند اوباما منفعل-تهاجمی بود و مشتاق بود به ژنرال‌ها نشان دهد که می‌تواند مانند آنها ماچو باشد. بدنام‌ترین نمایش این رفتار زمانی بود که او آشکارا قوانین بین‌المللی را نادیده گرفت و برخلاف توصیه مقامات عالی‌رتبه و نخبگان اطلاعاتی آمریکا دستور ترور قاسم سلیمانی، ژنرال ارشد ایرانی را در ژانویه 2020 در فرودگاه بین‌المللی بغداد صادر کرد.

ترامپ در مواجهه با مقاومت منفعلانه ژنرال‌ها، در نهایت در طول دوره ریاست‌جمهوری خود هزاران سرباز را در افغانستان نگه داشت، اما با توجه به عواقب ناشی از عمل نکردن به وعده‌اش تا انتخابات 2020، در فوریه 2020 به ارتش دستور داد تا همه نیروها را تا نوامبر 2020 خارج می‌کند. باز هم، ارتش با حمایت لابی جنگ علیه تروریسم، مهلت را به تعویق انداخت و جو بایدن وارث حدود 3500 نیرو و پرسنل نیروهای ویژه شد که در ژانویه 2021 به قدرت رسید.

چگونه دم اسرائیلی سگ آمریکایی را تکان داد

فشارهای مشا به از سوی ارتش برای ادامه مسیر، رئیس‌جمهور جدید را فرا گرفت، اما زمانی که جو بایدن به قدرت رسید، هیچ حمایت مردمی برای ادامه جنگ‌های ابدی وجود نداشت. او متوجه شد که آنها حواس پرتی شدیدی از تهدید واقعی برای موقعیت استراتژیک ایالات متحده، که چین بود، داشتند. در طول 20 سال بین‌تهاجم به افغانستان و آغاز ریاست‌جمهوری بایدن، چین به دومین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل شده بود و دارای ارتشی بود که اگرچه هنوز از برابری با قدرت نظامی ایالات متحده فاصله داشت، اما به نظر می‌رسید در این مسیر حرکت می‌کند.

زمانی که بایدن در سال 2021 تصمیم به خروج از افغانستان گرفت، انگیزه بایدن نگرانی در مورد نقش جهانی نبود، بلکه میل فوری به اصلاح استراتژی ایالات متحده و تمرکز مجدد آن بر چین بود، جایی که ایالات متحده می‌توانست بر استراتژی مهار، عمدتاً توسط نیروی دریایی تکیه کند. که نیروها یش به مراتب بهتر از تعقیب شورشیان

مردمی یا شرکت در ملت سازی در جایی که شرایط برای موفقیت وجود نداشت ، ما نند عراق، افغانستان و سوریه، آماده انجام آن بودند .او باما سعی کرده بود این کار را با "محور به آسیا" انجام دهد، اما در برابر فشارهای متقابل ژنرال های خود برای "پایداری مسیر" در خاورمیانه تسلیم شد تا زمانی که او به قدرت رسید، برای بایدن واضح بود که ماندن در مسیر، قدرت ایالات متحده را به شدت کاهش داده است. این که او صلح طلب نبود، بلکه یک جنگ سالار مصمم برای دستیابی به هژمونی بی چون و چرای نظامی ایالات متحده با استراتژی جدید بود، در اقدامات تحریک آمیز او برای طعمه گذاری چین در دریای چین جنوبی و تایوان چند ماه پس از خروج از افغانستان نشان داده می شود .

اما همانطور که در مورد او باما و ترامپ اتفاق افتاد، خروج از خاورمیانه آسان تر از انجام دادن بود .به جای درگیری نظامی، واشنگتن تلاش کرد تا با ایجاد روابط دیپلماتیک میان اسرائیل، عربستان سعودی و کشورهای کوچکتر خلیج فارس مانند قطر که منطقه را باثبات کند، کنترل کمی بر وقایع آنجا را به دست آورد .حمله حماس به اسرائیل در اکتبر 2023، اما این طرح ثبات منطقه را منفجر کرد، زیرا دولت سعودی و سایر کشورهای مرتجع عربی نمی توانستند با اسرائیل به توافق برسند، در حالی که اسرائیل در حال سلاخی یک ملت عرب دیگر، یعنی فلسطینی ها بود . ایالات متحده حتی بیش از دو سال قبل از زمانی که از افغانستان خارج شد، منزوی تر بود و تمام جهان عرب و در واقع تمام جهان آن را محکوم کردند، زیرا اسرائیلی ها را برای ارتکاب نسل کشی در غزه تسلیحاتی فراهم کرد .در همین حال، رقیب آن، چین، متحد با جنوب جهانی، دیپلماتی صلح جویانه را ترویج کرد که در تضاد با حمایت غیرقابل صلاحیت واشنگتن از حمله نظامی نسل کشی اسرائیل بود

خشم اخلاقی، تسلط سیاسی

در مجموع، اگرچه آنچه او می خواست دقیقاً شبیه نقشه اش نبود، با حمله به برج های دوقلو در 11 سپتامبر 2001، اسامه بن لادن توانست ایالات متحده را به تعهد نظامی بی پایان به خاورمیانه تحریک کند . این منجر به گسترش بیش از حد قدرت آمریکا شد . زمانی که ایالات متحده متعهد به کارزار جنگ های نمونه بود، عقب نشینی برای ایالات متحده بسیار دشوار بود و شرایط گسترش بیش از حد در طول زمان بدتر می شد و منابع امپراتوری را از بین می برد .

در واقع، اسامه بن لادن فراتر از رویاهای وحشیانه خود موفق شد، زیرا یکی از دلایل گسترش بیش از حد این است که کنار گذاشتن اولویت های قدیمی به طور جهنمی دشوار است، به طوری که همه چیز به یک اولویت تبدیل می شود .تعداد کمی از امپراتوری ها بوده اند که توانسته اند مشیت های خود را باز کنند و تعهدات خود ویرانگر را کنار بگذارند .بن لادن در سال 2011 در یورش ایالات متحده به خانه اش در ابوت آباد پاکستان کشته شد، اما تا آن زمان واکنش زنجیره ای ناشی از حمله القاعده به برج های دوقلو غیرقابل توقف بود .

با قضاوت اخلاقی، 11 سپتامبر یک توهین اخلاقی بود. با این حال، از نظر سیاسی، این یک ضربه بزرگ بود که پیامدهای منفی آن برای قدرت جهانی ایالات متحده هنوز هم امروز احساس می‌شود. ممکن است کسی عمیقاً با روش‌های او مخالف باشد، اما از نظر دستیابی به هدفش برای تضعیف شدید آنچه او «شیطان بزرگ» می‌خواند، باید به قول آمریکایی‌ها، حق شیطان را به او بدهد. 11 سپتامبر وحشتناک بود، اما این اولین باری نبود که تاریخ به طور متناقض، یک عمل نا پسند را قادر می‌سازد تا نتیجه‌ای مترقی داشته باشد، در این مورد، فرسایش یک قدرت امپراتوری سرکوبگر.

سطری در مورد نویسنده این مقاله :

والدن بلو، ستون نویس نشریه فارین پالیسی در فوکوس، نویسنده یا نویسنده 19 کتاب است که آخرین آنها آخرین موضع سرمایه داری است؟ (لندن: زد، 2013) و وضعیت تکه تکه شدن: فیلیپین در حال گذار (شهر کوئزون: تمرکز بر جنوب جهانی و

----- **با تقدیم احترامات «2023-11-23»**